شهرآرا
۲شنبه
۵ خرداد ۱۴۰۴
۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۶
شماره ۴۴۹۸
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
فرهنگ و ادبیات

گپ دیگران

عبدا... کوثری از کار و کارنامه حسن کامشاد می‌گوید

با شادی و رضایت از انجام رسالتش رفت

حسن کامشاد (۴ تیر ۱۳۰۴ – ۱ خرداد ۱۴۰۴)، مترجم، نویسنده و پژوهشگر برجسته ادبیات فارسی، از چهره های تأثیرگذار فرهنگ و ادب ایران بود. کامشاد، با ترجمه کتاب های شاخص و تألیفاتی در حوزه ادبیات، نقش مهمی در معرفی آثار ادبی و فلسفی به مخاطبان فارسی زبان ایفا کرد. معروف ترین ترجمه او، «تاریخ چیست؟»، اثر ادوارد هالت کار، در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی تأثیری عمیق بر علاقه مندان به تاریخ گذاشت، به‌گونه ای که عباس امانت، مورخ برجسته، از آن به عنوان انگیزه ای برای تحصیل تاریخ یاد کرده است. از دیگر ترجمه های مهم او می توان به «دنیای سوفی»، اثر یوستین گردر، اشاره کرد که با استقبال گسترده ای روبه رو شد و به چاپ بیست وسوم رسید. این رمان فلسفی، با نثر روان کامشاد، به یکی از منابع کلیدی برای آشنایی مخاطبان با فلسفه تبدیل شد. دیگر آثار ترجمه ای او شامل «درک یک پایان» (از جولین بارنز، که برنده جایزه من بوکر شد)، «سرگذشت فلسفه» (نوشته براین مگی)، «ویتگنشتاین، پوپر و ماجرای سیخ بخاری» (از دیوید ادموندز و جان آیدینو)، «امپراتور و بازی امپراتور» (اثر ریشارد کاپوشچینسکی)، «استالین مخوف» (از مارتین ایمیس) و «تام پین» (نوشته هاوارد فاست) هستند. این آثار نشان دهنده انتخاب های دقیق کامشاد در ترجمه کتاب هایی با محتوای عمیق است.

در حوزه تألیف، «پایه‌گذاران نثر جدید فارسی» مهم ترین اثر اوست که رساله دکتری اش در دانشگاه کمبریج بوده و به تحلیل تاریخ نثر و داستان نویسی جدید فارسی تا دهه ۴۰ شمسی و بررسی آثار صادق هدایت می پردازد. این کتاب در دانشگاه های اروپا و آمریکا به عنوان مرجع درسی استفاده شد. دیگر اثر تألیفی او، «حدیث نفس» (در دو جلد)، اتوبیوگرافی جذابی است که کامشاد در آن، با نثری شوخ، صمیمی و روان، خاطرات زندگی اش را از کودکی تا کهن سالی روایت می‌کند. «ایبنا»، در پی فقدان او، گفت وگویی با عبدا... کوثری، مترجم برجسته، داشته است که بخشی از آن در ادامه می آید.

لطفا، درباره جایگاه مرحوم حسن کامشاد در حوزه ترجمه و تأثیر او بر ادبیات ایران بگویید.

مرحوم حسن کامشاد از مترجمان برجسته نسل پیشین بودند که آثار بسیار ارزشمندی را به زبان فارسی ترجمه کردند. ایشان تحصیلات خود را در یکی از دانشگاه های معتبر انگلستان گذراندند و به عنوان کارمند ارشد شرکت نفت فعالیت داشتند. با وجود مسئولیت های سنگین شغلی، ترجمه برای ایشان امری بسیار جدی بود. کامشاد بیشتر به ترجمه آثار تحقیقی و تاریخی با زمینه های اجتماعی قوی، مانند آثار باربارا تاکمن، پرداخت تا رمان. یکی از مهم ترین آثار ایشان ترجمه کتاب «سیر نابخردی» [«تاریخ بی خردی»] از باربارا تاکمن است که اثری بسیار ارزشمند و تأثیرگذار محسوب می شود.

به نظر شما، مهم ترین ویژگی آثار و انتخاب های مرحوم کامشاد در ترجمه چه بود؟

کامشاد در انتخاب کتاب هایش برای ترجمه بسیار هوشمندانه عمل می‌کرد. آثار او، معمولا، کتاب هایی بودند که تأثیری عمیق بر مخاطب می‌گذاشتند و به تأمل در مسائل اجتماعی و تاریخی دعوت می‌کردند. برای مثال، ترجمه «سیر نابخردی» [«تاریخ بی خردی»] خوانندگان را به تأمل درباره تاریخ بشر و چرخه جنگ ها، از گذشته تا جنگ ویتنام، واداشت. این کتاب نشان داد که بشر، باوجود ادعای پیشرفت، همچنان درگیر نابخردی های خود است. انتخاب های او نشان دهنده عمق مطالعه، تفکر و تعهدش به معرفی آثاری بود که صرفا سرگرم‌کننده نبودند، بلکه تأمل برانگیز و تأثیرگذار بودند.

می شود از ویژگی های شخصیتی مرحوم کامشاد هم برای ما بگویید؟

مرحوم کامشاد انسانی خوش اخلاق با طنزی ظریف و شخصیتی بسیار دوست داشتنی بود. باوجود تفاوت سنی، او توانایی برقراری ارتباط صمیمی با نسل های جوان تر را داشت و می توانست ساعت ها با آن ها گفت وگو کند. این ویژگی، در کنار دانش گسترده و تعهدش به فرهنگ و ادبیات، او را به شخصیتی ممتاز تبدیل کرده بود.

به نظر شما، مهم ترین و ممتازترین ویژگی کار حسن کامشاد که می تواند برای نسل جوان الهام بخش باشد چیست؟

مهم ترین ویژگی کامشاد تعهد او به انتخاب آثاری بود که نه تنها ارزش ادبی داشتند، بلکه به مخاطب کمک می‌کردند تا عمیق تر به مسائل اجتماعی و تاریخی بیندیشد. او، با ترجمه کتاب هایی تأثیرگذار، به ویژه در حوزه تاریخ و علوم اجتماعی، نشان داد که یک مترجم می تواند، فراتر از انتقال متن، در شکل‌گیری اندیشه و فرهنگ جامعه نقش داشته باشد. این تعهد و دقت در انتخاب آثار می تواند برای نسل جوان الگویی ارزشمند باشد.

در پایان، اگر نکته دیگری درباره مرحوم کامشاد دارید، بفرمایید.

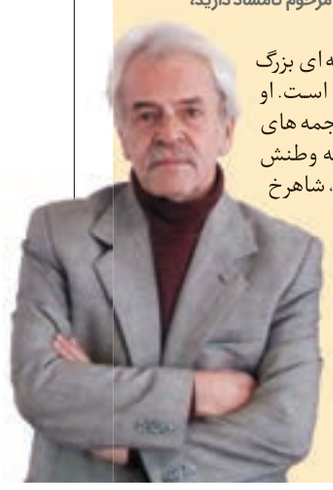

درگذشت حسن کامشاد ضایعه ای بزرگ برای فرهنگ و ادبیات ایران است. او زندگی پربار داشت و با ترجمه های ارزشمندش خدمتی بزرگ به وطنش کرد. کامشاد و دوست نزدیکش، شاهرخ مسکوب، نمونه هایی درخشان از فرزندانی بودند که به وظیفه فرهنگی خود در قبال جامعه عمل کردند. او با شادی و رضایت از انجام رسالتش از این دنیا رفت؛ و این چیزی است که هر ملتی از فرزندانش انتظار دارد. یادش گرامی!

علی باقریان

۲۶۷ کجا[۱] نامِ او آفْریدون بُوَد
۲۶۸ چون او زاید از مادرِ پرهنر
۲۶۹ به[۹] بالا[۱۰] شود چون یَکی سروِ بُرز[۱۱]
زمین را سپهر[۲] همایون[۳] بُوَد[۴]
به سانِ درختی شود بارْوَر
به مردی رسد برکَشد سر به ماه
هنوز آن سپهبَد[۵] ز مادر نزاد
کمر[۸] جوید و تاج و تخت و کلاه
به گردن برآرَد ز پولاد گرز[۱۲][۱۳]
نیامد گهِ پرسش[۶] و سردباد[۷]

۱- کجا: که. ۲- سپهر: آسمان (که مقصود از آن «گردش زمانه» است). ۳- همایون: خجسته. ۴- برای زمین و زمینیان، [همچون] روزگارِ خجسته باشد. ۵- سپهبَد: سپه سالار، سردار. ۶- پرسش: بازخواست. ۷- سردباد: بادِ سرد، سخنی که با سرزنش و نکوهش همراه باشد. ۸- کمر: کمربند. ۹- به: ازنظرِ. ۱۰- بالا: قدوقامت. ۱۱- بُرز: بلند، بزرگ. ۱۲- گرز: ابزاری جنگی ـ چوبی یا آهنین ـ که یک سرِ آن گِرد و سنگین است. ۱۳- [چنان نیرومند شود که] گرز پولادین را تا به گردن بالا بیاورد.

معرفی وبگاه های متون حماسی، با نگاهی به «ویکی شاهنامه»

گنجینه مجازی حماسه ملی ایران

گروه فرهنگ و ادبیات

با هوش مصنوعی

پروژه های علوم انسانی دیجیتال متعددی هستند که بر روی متون کهن، حماسه ها و ادبیات جهان تمرکز دارند. این پروژه ها از ابزارهای دیجیتال برای مطالعه، تحلیل، نمایش و دسترس پذیرکردن میراث فرهنگی استفاده می‌کنند. چند نمونه خارجی از این پروژه ها را مرور کنیم:

حماسه های ملل

● The Chicago Homer
(دانشگاه نورث وسترن، آمریکا)
این پروژه یک پایگاه داده چندزبانه از حماسه های یونانی اولیه (مانند «ایلیاد» و «اودیسه» هومر) است. هدف آن این است که با استفاده از قابلیت های جست وجو و نمایش متون الکترونیکی ویژگی های متمایز حماسه یونانی را برای خوانندگان با و بدون دانش زبان یونانی قابل دسترس کند. این سایت شامل متن اصلی یونانی و ترجمه های انگلیسی و آلمانی است.

● Perseus Digital Library Project
(دانشگاه تافتس، آمریکا)
این کتابخانه دیجیتال بسیار گسترده مجموعه ای غنی از متون و منابع مربوط به تاریخ، ادبیات و فرهنگ یونان و روم باستان را پوشش می دهد. گرچه تنها به حماسه محدود نمی شود، شامل نسخه های دیجیتالی بسیاری از حماسه های مهم کلاسیک به همراه ابزارهای تحلیل و منابع جانبی است. این پروژه به دلیل جامعیت و ابزارهای تحلیلی اش شناخته شده است.

● The Homer Multitext
(دانشگاه هاروارد، آمریکا)
این پروژه دسترسی آزاد به کتابخانه ای از متون، تصاویر و ابزارهایی را فراهم می‌کند تا خوانندگان بتوانند سنت هومری را کشف کنند و با آن درگیر شوند. تمرکز آن بر روی فراهم‌کردن نسخه های مختلف یک متن حماسی و امکان مطالعه تطبیقی آن هاست.

● World Epics
(دانشگاه کلمبیا، آمریکا)
این وب سایت همکاری مشترکی است که به حماسه ها از سراسر جهان می پردازد و شامل روایت های حماسی در قالب های نمایشی، عروسکی، موسیقی، هنرهای تجسمی و فیلم می شود. هدف آن بررسی حماسه ها در فرهنگ ها و رسانه های مختلف است. این پروژه شامل بخش هایی درباره حماسه های ملی و همچنین حماسه های آفریقایی است.

چنان که پیداست، این سایت ها برای دیجیتالی‌کردن، تحلیل و دسترس پذیرکردن متون حماسی و کهن برای مخاطبان گسترده تلاش می‌کنند و معمولا شامل متن اصلی، ترجمه ها (در صورت وجود)، تحلیل ها، اطلاعات جانبی و گاهی فایل های چندرسانه ای هستند.

حماسه ملی ایران

خوشبختانه، این پروژه ها یک نمونه ایرانی نیز دارد: «ویکی شاهنامه» (wikishahnameh.com). این وب سایت یک گنجینه بسیار ارزشمند و جامع از اطلاعات و منابع مرتبط با «شاهنامه» فردوسی است. طبق آنچه در معرفی آن نوشته اند، «'ویکی شاهنامه' یک مجموعه فرهنگی است که به صورت مشارکت داوطلبانه افراد و علاقه مندان حوزه ادب، به ویژه 'شاهنامه'، شکل گرفته و اداره می شود. این گروه داوطلب، با شعار 'شاهنامه برای همه'، مأموریت خود را ترویج و گسترش هرچه بیشتر و جامع‌تر 'شاهنامه' قرار داده است.» محتوا و مهم ترین ویژگی های «ویکی شاهنامه» ازاین قرار است:

● **متن کامل «شاهنامه» (بر اساس چاپ مسکو)**: این وب سایت متن کامل «شاهنامه» را براساس نسخه معتبر چاپ مسکو ارائه می دهد.

● **روخوانی «شاهنامه»**: یکی از نقاط قوت این سایت ارائه روخوانی «شاهنامه» توسط استادان برجسته و نام‌آور است، ازجمله روخوانی میرجلال الدین کزازی.

● **تاریخ گردآوری و تدوین «شاهنامه»**: «ویکی شاهنامه» اطلاعات جامعی درباره روند شکل‌گیری و تدوین «شاهنامه» ارائه می‌کند.

● **فهرست نسخ خطی و چاپی «شاهنامه»**: این بخش از سایت شامل اطلاعات دقیق درمورد نسخه های مختلف خطی و چاپی «شاهنامه» است و امکان دریافت بسیاری از نسخه های آزاد از حق تألیف را فراهم می‌کند. از دست نویس فلورانس گرفته تا چاپ مسکو در «ویکی شاهنامه» یافت می شوند.

● **فهرست تفصیلی نام های جغرافیایی «شاهنامه»**: این قسمت شامل نقشه ها و توضیحات کامل درباره نام های جغرافیایی ذکرشده در «شاهنامه» است که برای پژوهشگران و علاقه مندان به تاریخ و جغرافیای اساطیری ایران بسیار مفید است.

● **منظومه های حماسی دیگر**: علاوه بر «شاهنامه»، این وب سایت به معرفی و ارائه متن برخی از منظومه های حماسی دیگر که به تقلید از «شاهنامه» سروده شده اند نیز می پردازد؛ ازآن جمله اند «برزونامه» و «سام نامه».

● **فایل های چندرسانه ای**: مجموعه ای غنی از فایل های صوتی مرتبط با «شاهنامه»، ازجمله سخنرانی ها و تحلیل های اساتیدی چون محمد جعفر محجوب و شاهرخ مسکوب، در این سایت موجود است.

● **محتوای زنده و به روز**: این وب سایت تنها یک آرشیو نیست و میزبان رویدادها و اخبار جدید پیرامون «شاهنامه» نیز هست.

به طور خلاصه، «ویکی شاهنامه» یک مرجع کامل و پویا برای هر کسی است که به «شاهنامه» فردوسی، ادبیات حماسی ایران، و فرهنگ ایرانی علاقه دارد.

تصویر «کاوه»، از پروژه «ایران شهر»

داده‌ها خواب داستان می‌بینند

ادبیات الکترونیک و پایگاه داده

کُدبیات [۳۰]

عاطفه عطری
پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

تصور کن در سالن سینما نشسته ای، پرده کنار می رود و پروژکتورها به کار می افتند. فیلم شروع می شود: در خیابانی شلوغ زنی قدم می زند، موسیقی آرام در پس زمینه جریان دارد و کلماتی مرموز روی صفحه چشمک می زنند. همچنان که فیلم پیش می رود، تو مجذوب قصه می شوی، با شخصیت های فیلم احساس هم ذات پنداری می‌کنی و در پایان، با عزمی جدی که فردا با دوست سینما دوستت برای دیدن دوباره فیلم برخواهی‌گشت، از سالن پا به خیابان می‌گذاری. وقتی فردا با دوستت به سینما برمی‌گردی تا همان فیلم را ببینی، قصه فرق کرده: حالا زن در شهری بارانی است و موسیقی تندتر شده، تصاویر و صداها جابه جا شده اند و داستانی کاملا متفاوت پیش رویتان باز می شود. این سالن سینما معمولی نیست، اینجا «سینمای نَرم» (Soft Cinema) است، جایی که یک نرم افزار قصه‌گو از دل داده ها هر بار روایتی تازه می سازد.

بیایید به سال ۲۰۰۲ سفر کنیم، یعنی سالی که لئو مانوویچ و آندریاس کراتکی این اثر دیجیتال را خلق کردند تا نشان دهند قصه‌گویی در عصر فناوری چگونه متحول شده است: «سینمای نرم» یک پروژه رسانه ای تعاملی بود که از پایگاه داده ای از کلیپ های ویدئویی، موسیقی و متن های کوتاه تشکیل شده بود. در این پروژه، هر کلیپ شبیه به یک تکه از پازل عمل می‌کند: مستقل، پراکنده، اما پر از امکان. نرم افزار این تکه ها را به صورت خودکار کنار هم می چیند و هر بار فیلمی جدید با روایتی متفاوت خلق می‌کند. تو، به عنوان بیننده، کنترلی روی ترتیب این تکه ها نداری، اما انگار خودت بخشی از قصه‌گویی هستی، چون هر بار که فیلم را می بینی داستان تغییر می‌کند. یک بار قصه ای از تنهایی در کلان شهری شلوغ می بینی، بار دیگر روایتی از سفری خیالی.

لئو مانوویچ

مانوویچ، در مقاله معروفش، «پایگاه داده به عنوان شکل فرهنگی»، می گوید: «در عصر دیجیتال، پایگاه داده، نه صرفا محتوای خام، که فرم فرهنگی جدیدی است که روایت در دل آن بازتعریف می شود.» این نشان می دهد که پایگاه داده و روایت در عصر دیجیتال دشمن هم نیستند، بلکه می توانند با هم کار کنند. پایگاه داده منطق فرهنگی عصر ماست، اما روایت - هرچند بازتعریف شده - همچنان قلب داستان سرایی است.

جادوی سینمای نرم در این است که نقش نویسنده را به یک الگوریتم می سپارد. دیگر خبر از کارگردانی نیست که داستان را از ابتدا تا انتها تعریف کند؛ درعوض، نرم افزار، مثل یک قصه‌گوی دیجیتال، از میان انبوه داده ها - تصاویر، صداها و متن ها - انتخاب می‌کند و روایتی غیرخطی می سازد، روایتی که نه ثابت است و نه قابل پیش بینی. تو، به عنوان بیننده، هر بار که به سالن سینما برمی‌گردی، انگار وارد دنیایی جدید می شوی. داده های پراکنده در پایگاه داده، مثل کلمات شاعری که هر بار شعری تازه می سراید، به شکلی نو کنار هم قرار می‌گیرند. پروژه سینمای نرم نشان داد که پایگاه داده فقط برای ذخیره اطلاعات نیست، بلکه می تواند بستری برای خلق داستان باشد. مانوویچ این را «سینمای پایگاه داده» می نامد، جایی که فناوری و قصه‌گویی دست به دست هم می دهند تا تجربه ای بی مانند خلق کنند.

بسیاری از آثار ادبیات الکترونیک نیز، به جای روایت های خطی و از پیش نوشته شده، ساختارهایی طراحی می کنند که در آن متن هر بار از نو شکل می گیرد. روایت ها، نه در سطرهای ثابت، که در تعامل میان داده، الگوریتم و مخاطب زاده می شوند. ادبیات الکترونیک نیز - از داستان های فرامتنی گرفته تا شعرهای مولد و رمان های تعاملی - همچون سینمای نرم راهی یافته تا پایگاه داده را، نه صرفا انباری از اطلاعات، بلکه سرچشمه ای برای روایت‌گری بداند.

شاید شگفت انگیزترین بخش ماجرا این باشد که دیگر قصه‌گو نه نویسنده است، نه کارگردان، بلکه خود سامانه است، سامانه ای که نمی نویسد، بلکه ترکیب می‌کند، روایت نمی‌کند، بلکه مونتاژ می‌کند. در سینمای پایگاه داده، داستان، نه تنها در آغاز، که در هر بار نمایش زاده می شود، مثل خوابی که هر شب، با عناصر مشابه اما روایتی تازه، سراغمان می آید. و مگر نه اینکه حافظه ما نیز چیزی نیست جز پایگاه داده ای زنده که هر بار، بسته به لحظه، و میل و نیاز ما، تکه ای از گذشته را به شکلی دیگر پیش چشممان می‌گذارد؟